

درباره‌ی این ویژه‌نامه

حمید امجد

یک - «بیضایی و تئاتر» عنوان بزرگی است که پرداختن به آن مجال و توان و گستره‌ای بیش از این یا هر مجموعه‌ی مشابه دیگر می‌طلبد؛ و امیدوارم اعلام آگاهی به این نکته، در همین آغاز، سوء تفاهم احتمالی درباره‌ی توهّم احتمالی پدیدآورندگان این مجموعه را برطرف کند. روشن است که پرداختن به کارنامه‌ی نویسنده‌ای چنین پُرکار و پُر بار در فرصتی بسیار اندک، و حجمی معادل فقط یکی از آثار آن کارنامه، نمی‌تواند با ادعای کمال و کفایت همراه باشد. این عنوان صرفاً قرار است حاکی از تمرکز بر بخش تئاتری کارنامه‌ی پُر حاصل و چندوجهی هنرمندی باشد که مثلاً در معرفی آثار سینمایی اش کتاب‌های متعددی منتشر شده اما جُنگی نسبتاً پُرورق در معرفی آثار نمایشی اش، در برگیرنده‌ی دیدگاه‌های نویسندگانی گوناگون و مباحثی از دوران‌های مختلف - هم‌روزگار با مقاطع مختلف شکل‌گیری این کارنامه - آن گونه که به کار آشنایی مخاطب با وجوهی متنوع از گوشه‌ها و دوره‌های مختلف این کارنامه‌ی نمایشی بیاید، تاکنون منتشر نشده است. به‌ویژه که اکنون، در آستانه‌ی هفتادسالگی بهرام بیضایی، و پنجاه‌سالگی کارنامه‌ی حرفه‌ای اش در مقام نویسنده، با اجرای اثری تازه از او بر صحنه‌ی تئاتر مواجهیم. این به معنای آن است

که سن بسیاری از تماشاگران و خوانندگان او به تجربه‌ی بی‌واسطه‌ی مواجهه با آثاری
 پُرشمار از بهرام بیضایی (در زمان نخستین عرضه‌شان) قد نمی‌دهد. و این درحالی‌ست که
 تماشاگر یا خواننده‌ی آثار بیضایی معمولاً تماشاگر یا خواننده‌ی «گذری» نیست و غالباً
 - در مقام دانشجو، مخاطب پیگیر یا فرهنگ‌دوست حرفه‌ای - مایل به کسب اطلاعات
 بیش‌تر درباره‌ی این آثار و پیشینه‌ی فرهنگی و زمینه‌ی اجتماعی و تاریخی‌چهره‌ی شکل‌گیری
 و دیدگاه‌های تحلیلی و مباحث احتمالی پیرامون هریک‌شان هم هست. قصد ما در تدوین
 این مجموعه، بیش از هر چیز ارائه‌ی دورنما یا طرحی کلی از کارنامه‌ی نمایشی بیضایی
 به‌منزله‌ی سیری زمانمند یا بخش بسیار قابل‌توجهی از تاریخ تئاتر معاصر ایران، و نیز
 بازتاب دادن دیدگاه‌های خود او درباره‌ی تئاتر و به‌ویژه تجربه‌های خودش در این سیر
 زمانی بوده است به‌مثابه‌ی واسطه‌ای کوچک برای آشنایی با پیشینه‌ی کارنامه یا جهان
 نمایشی بهرام بیضایی و شاید پیش‌درآمدی بر دیدار تازه‌ترین اجرای او، افرا؛ یا روز می‌گذرد.
 دو - به فرصت بسیار اندکِ گردآوری و آماده‌سازی این مجموعه اشاره کردیم؛ فرصتی که
 از نخستین تماس آقای علی دهباشی، مدیر محترم سیمیا، برای دعوت به این کار تا زمان
 اجرای افرا و موعد انتشار این ویژه‌نامه که باید با اجرا هم‌زمان می‌بود زمانی بین سی تا چهل
 روز را در بر گرفت؛ و اگر نبود مشکلات متعددی مربوط به تالار و جابه‌جایی اجرای افرا از
 تئاتر شهر به تالار وحدت (و تلافی با برنامه‌های دیگر این تالار) که در عمل عامل اصلی
 تأخیر اجرا شد (با همه‌ی فرسایش و مصائب تازه‌ای که بر گروه اجرایی تحمیل کرد) این
 «زمان» به چیزی کم‌تر از نصف تقلیل می‌یافت. به این ترتیب برنامه‌ریزی برای کارِ گردآوری
 و تدوین این مجموعه از آغاز به‌ناگزیر بر محدود کردن قلمرو کار به دلیل محدودیت زمان
 و حجم سیمیا استوار بود و از همین رو چه بسیارند مطالبی که می‌شد برای این ویژه‌نامه
 سفارش داده و نوشته شوند اما محدودیت زمان و حجم از آغاز مانع شد؛ و چه بسیار مطالبی
 که قرار بود تا موعد مقرر از نویسندگان دریافت شوند که به هزار و یک دلیل به دست‌مان
 نرسیدند یا اندکی دیرتر رسیدند و از حضور در مجموعه بازماندند؛ و باز چه بسا مطالبی
 ارزنده پیش‌تر این جا و آن جا درباره‌ی آثار نمایشی بیضایی منتشر شده بودند و جا داشت
 در چنین مجموعه‌ای نقل شوند که یا دسترسی به آن‌ها در این فرصت محدود ممکن نبود
 یا به دلیل مشابهت‌هایی با مقالات موجود یا به خاطر دغدغه‌ی دائمی گنجیدن در محدوده‌ی
 ناگزیر حجم سیمیا، کنار نهاده شدند. امید به تدوین مجموعه‌هایی مفصل‌تر و تازه‌تر
 درباره‌ی این موضوع در آینده است که حسرت نبود چنان مطالبی در این ویژه‌نامه را شکست

می‌دهد؛ و البته این خرسندی که به لطف مقالات ارزنده‌ی نویسندگان، این ویژه‌نامه شاید تا همین جا هم مجموعه‌ای مفید و مرجع برای آشنایی کلی و عمومی دانشجویان و نیز خوانندگان یا تماشاگران با آثار نمایشی بهرام بیضایی از کار درآمده باشد.

سه - تعداد نمایشنامه‌های بهرام بیضایی بیش از آن است که بتوان در ویژه‌نامه‌ای با این حجم به تک‌تک‌شان، حتی به اختصار، پرداخت. اما، به دلایل کمابیش آشکار، تعداد اجرایی که او طی نیم قرن حضور مؤثر در تئاتر ایران توانسته بر صحنه بیاورد - با احتساب اولین تجربه‌ی کارگردانی‌اش که اجرایی برای ضبط تلویزیونی است، دو تا شمردن میراث و ضیافت که در قالب یک برنامه‌ی اجرایی (یا «دو نمایش همراه») به صحنه رفتند، و بانو آتویی با متنی غیر از نمایشنامه‌های خودش که در ابتدا حتی به منظوری غیر از اجرای عمومی تمرین شد - به زحمت به ده می‌رسد. این بدیاری دیگر او هم (مثل تعویق اجرای افرا!) فرصتی به ما داد که به جای نمایشنامه‌ها بر «اجرا»‌های او (که شمار اندک‌شان با محدودیت‌های ما تناسب داشت) متمرکز شویم و از پس نخستین فصل مجموعه («غریبه و مه؛ تئاتر بهرام بیضایی») - شامل کلیاتی درباره‌ی تئاتر بیضایی و یادداشت‌هایی درباره‌ی برخی آثار مکتوبش - در فصل دوم («روشنایی صحنه؛ اجراهای بهرام بیضایی») به مرور آثاری نمایشی پردازیم که او خود کارگردانی‌شان کرده است. تازه‌ترین تجربه‌ی اجرایی او، موضوع فصل سوم («ریشه‌یابی درخت کهن؛ افرا یا روز می‌گذرد») خواهد بود.

شاید توضیح این نکته نیز ضروری باشد که در این تمرکز بر آثار نمایشی بیضایی، همپوشانی‌هایی با آثار سینمایی او نیز ناگزیر بوده است؛ نه تنها به دلیل اشتراکات شکلی و معنایی و روابط بینامتنی قابل دریافت میان آثار مختلف او برای تئاتر و سینما، بل ضمناً به این دلیل که برخی آثارش - از جمله مرگ یزدگرد که هم بر صحنه‌ی تئاتر اجرا شده و هم به فیلم درآمده، یا سیاوش خوانی که برای هر دو قالب اجرایی (هم نمایش و هم فیلم) اندیشیده و نگاشته شده است - همزمان قابل بحث در هر دو زمینه‌اند یا بحث‌شان صرفاً به قالب اجرایی واحدی محدود نمی‌شود.

چهار - آثار خداداد بسیار مهم (و البته ناگوار) دیگری هم با مراحل پایانی آماده‌سازی این ویژه‌نامه همزمان شد و آن درگذشت اکبر رادی - نمایشنامه‌نویس برجسته‌ی ایرانی و یار دیرین و هم‌مسئول بهرام بیضایی - بود. تأثیر این واقعه بر کل محیط فرهنگی و جامعه‌ی تئاتر ایران، و از جمله بر ما پدیدآورندگان این ویژه‌نامه، چنان بود که واقعاً می‌شد انتشار کل

مجموعه را مختل کند یا به تعویقی درازمدت بیفکند. گفت‌وگو با بیضایی درباره‌ی افرانیز، که بخشی از آن صرفاً درباره‌ی متن نمایشنامه (در نهم آذرماه) به انجام رسیده بود و بخشی دیگرش - درباره‌ی اجرا - به آماده‌شدن نسبی اجرا موکول مانده بود، با اندوه بیضایی و بُهت از این واقعه به فرصتی دیگر موکول شد که طبعاً دیگر به این ویژه‌نامه نمی‌رسید. با این همه وقتی به یاد آوردیم واپسین دست‌نوشته‌ی رادی، درست در روز درگذشتش - پنجم دی‌ماه - با موضوع تریک زادروز بیضایی در روزنامه‌ها انتشار یافته بود، اندیشیدیم به جای دلسردی یا تعویق انتشار این ویژه‌نامه، می‌توان آن را به یاد رادی، با انگیزه‌ای نیرومندتر پی گرفت. (متن آن نوشته‌ی رادی، و یادداشت بیضایی درباره‌ی درگذشت رادی را، به‌احترام اکبر رادی در ابتدای این مجموعه می‌خوانید.) شک ندارم که یکایک همکاران و نویسندگان این ویژه‌نامه، و نیز آقای علی دهباشی، در پیشکش کردن این شماره و تمام مقالاتش به خاطره‌ی عزیز اکبر رادی با من همراه و همدل‌اند.

پنج - گردآوری و آماده‌سازی این ویژه‌نامه، جز همکاری یکایک نویسندگان مقالات، در مراحل مختلف و امداد یاری خانم‌ها مژده شمسایی، ژیللا اسماعیلیان، نگار اسکندرفر، ویدا بیک‌زاده، پریزاد سیف، اختر تاجیک و آقایان عزیز ساعتی، علی زارع، مسعود پاکدل، سیامک زمردی مطلق و آزاد روح‌بخشان بود؛ و نیز کمک‌های بی‌دریغ آقایان محمد چرم‌شیر و افشین هاشمی (غیر از کار نوشتاری‌شان). از همه‌ی آن‌ها سپاسگزارم.

شش - جایی در یک نشست یادبود اکبر رادی نیز اشاره کردم در تاریخ ادبیات نمایشی (کلاً حدود صد و پنجاه ساله‌ی) ما، که عمر مفید حرفه‌ای نویسندگانش بسیار کوتاه بوده و هست، بیضایی و رادی بر روی هم بیش از صد سال نوشته‌اند و به گنجینه‌ی فرهنگ معاصر ما و ادبیات نمایشی مان افزوده‌اند. هنوز اندوهگین رفتن زودهنگام رادی، عبور از مرز پنجاه سال فعالیت در کارنامه‌ی هر یک این دو نمایشنامه‌نویس ایرانی را به فال نیک می‌گیریم و این ویژه‌نامه را پیش درآمدی به‌شمار می‌آوریم برای ارج نهادن بر کوشش ستایش‌انگیز این ثابت‌قدم‌ترین چهره‌های تاریخ ادبیات نمایشی ایران.





شهرت به نام و مقام از دست رفتن است
زمان هیچ قوم انسانی